



۲۰۲۴/۰۴/۱۹

عبدالباري جهاني

## جواب مختصر به نوشته محترم داکتر کاظم

### قسمت سوم

مضمون مورخ ۱۸ اپریل، بقلم محترم داکتر صاحب کاظم را مطالعه نمودم، که به جواب مضمون بنده نگشاته شده بود. در مضمون داکتر صاحب، متأسفانه، هیچ جوابی را، در زمینه سوالاتی در باره قتل امیر حبیب الله خان، نیافتم بلکه مضمون داکتر صاحب هنوز هم بر ابهام مسله افزوده بود. داکتر صاحب ادعا میکنند که انگلیس ها در تباہی با عده ای از درباریان مرتکب قتل امیر شده اند. البته مورخ امریکایی لویی دوپری مینویسد که این روسها بودند که انگلیس را به قتل امیر حبیب الله متهم کردند که قاتلی بنام مصطفی صغیر را برای انجام این کار استخدام نموده بودند؛ و افغانها هم این آوازه را باور نمودند. دوپری اضافه مینماید که افغانها انگلیسها و چنگیزخان را معمولاً علت همه بدبختی های افغانستان میدانند. دوپری ص ۴۳۵

اینکه انگلیس ها چرا باید اقدام به کشتن امیر حبیب الله میکردند؛ در حالیکه تازه پادشاه انگلستان جورج پنجم از حبیب الله ممنونیت خود را به خاطر اظهار نموده بود که در جنگ اول جهانی بیطرفی خود را حفظ نموده و بدین وسیله دوستی خود را با برتانیه ثابت ساخته بود. البته از شیطنت انگلیسها بعید نیست که آنها حبیب الله را بخاطری کشته بودند که میخواستند امان الله خان را به قدرت برسانند. به مقابل امان الله خان شورشها را تحریک نموده؛ بعد از چندی او را به وسیله بچه سقاو خلع نماید و بچه سقاو را به وسیله نماینده و پرورده خود نادرخان از بین ببرد!!! به گفته میرزاده عشقی (بشنو و باور مکن) چون این موضوع خارج بحث ما است متوسل به تفصیل نمی گردیم.

یک سوال مهم در اینجا مطرح میشود و آن اینکه انگلیسها، که جواسیس و گماشته های مانند خاندان آل یحیی، که از بدو سلطنت حبیب الله خان تا روز کشته شدنش همه در مقامات بلند دولتی و وظیفه داشتند و مصاحبان امیر بودند، متوسل به استخدام جاسوسی میگرددند که معلوم نیست لسان دری را بلد بود یا نه. خاندان مصاحبان، که همه گماشته ها و پرورده های انگلیس بودند، حین قدرت ۱۸ ساله خود، بایست صدها جواسیس دیگری را استخدام نموده باشند؛ ولی انگلیس با تمام شیطنت و هوشیاری خود، از خدمت این دست پرورده های خود کار نمیگیرند، و با استخدام مصطفی صغیر، خطر بدنامی را قبول مینمایند؟

گیرم که این یک حقیقت است. مقتدرین و منتقدین دربار، که مطلب داکتر صاحب خاندان آل یحیی است، جاسوس زرنک انگلیس یا بهتر است بگویم شبح جاسوس زرنک را داخل افغانستان نمودند و بعد از قتل امیر زمینه خارج شدن این شبح زرنک را از افغانستان فراهم نمودند. سوال در اینجا است که شاه امان الله، در اولین بیانیه تاجگذاری خود، وعده سپرده بود که تا قاتلین پدر خود را کشف ننموده و بسزای عملشان نرسانده باشند آرام نخواهد گرفت؛ و در این راستا از کافه مردم افغانستان خاصاً مردم کابل کمک خواست. آیا، در دوران سلطنت ده ساله خود، برای کشف نمودن قاتل یا قاتلین پدر خود، تلاشی بعمل آورد؟ کدام سندی در زمینه وجود دارد؟ تا جاییکه بنده اطلاع دارم. نه خیر. شاه امان الله در بیانیه اول خود گفته بود که پدر تاجدارش را کسانی بقتل رسانده که میخواستند صاحب تاج و تخت گردند. مطلب به همگان معلوم بود یعنی نصرالله خان. با آنکه به مقابل او هیچ سندی ارایه نشد؛ و با اینکه سردار نصرالله خان از داعیه خود منصرف شده و بیعت به امان الله خان داده بود، به زندان ارگ انداخته شد و بعد از چندی وفات یافت و یا از بین برده شد. امان الله خان در اول میخواست که سردار نصرالله خان را اعدام کند مگر برادران او اعتراض نمودند که دیروز یک برادر ما کشته شد و امروز یک برادر دیگر ما کشته میشود. البته اگر محاکمه شود و گناه او ثابت گردد ما اعتراض نداریم. امان الله خان، از ترس جنجال خانوداگی، نصرالله خان را اول در ارگ زندانی نمود و چندی بعد، که از قدرت خود مطمئن گشته بود او را از بین برد.

امان الله خان، در سلسله تحقیقات در باره قتل پدر خود؟، کندکشر جوان شاه علیرضا را، که به گفته لویی دوپری یک بز قربانی یا Scapegoat بود، به گناه غفلت در وظیفه اعدام نمود. آیا انصاف است که کسی صرف به گناه غفلت

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

در وظیفه، آنهم به شهادی دو تن از شاهدان دروغی، به اعدام سپرده شود؟ درحالیکه نماینده انگلیس در افغانستان سیف الله خان به حکومت متبوع خود پیغام فرستاده بود که هیچ کس از ترس چیزی گفته نمیتواند چون فکر میشود که مقتدرترین خاندان در کابل یعنی مصاحبان در این حادثه دست داشته است و شاه ولی را قاتل امیر میدانند. هنوز قاتل اصلی معلوم نیست. Stewart, Fire in Afghanistan P 35

امان الله خان به این آوازه ها هیچ وقعی نگذاشت و شاه علیرضای مظلوم را، که هیچ قدرتی نداشت، اعدام نمود. و در عوض خاندان مصاحبان را، که همه میگفتند، در قتل امیر دست داشتند، به قدرت رساندند. برای من دلچسپ تر از همه بدار او یختن مستوفی الممالک محمدحسین خان است. از تحریر داکتر صاحب کاظم و همچنین از متن سراج التواریخ آشکار میگردد که محمدحسین خان چیزی در دل داشت و یا از چیزی اطلاع یافته بود که میخواست به حبیب الله خان حالی نماید ولی امیر او را نماند که وظیفه خود را به انجام رساند. امان الله خان بایست محمدحسین خان را تحت تحقیقات میگرفت و اگر او به رضا و رغبت حاضر به همکاری و افشانمودن اسمای کسانی که شریک دسیسه بودند نمیشد به زور قین و فانه از او اقرار میگرفت. قاتلین پدر خود را می یافتند و به سزای عملشان میرساندند.

به ارتباط این مطلب یک قصه بیادام آمد. گمان میکنم به مطلب فوق بسیار بی ربط نباشد. نطق صدای امریکا بودم که از مرگ نابهنگام حاجی لطیف، که ژورنالیست غربی او را شیر قندهار لقب داده بود اطلاع یافتیم. دفعته همراه نطق سرویس دری شکریه رعد راهی ستودیو شدیم. با هزار تکلیف بالاخره موفق به یافتن گل آغا شیرزی شدیم و از او در باره چگونگی مرگ حاجی لطیف، که گفته میشد به قتل رسیده است، جویای احوال شدیم. گل آغا در جواب سوالات ما اظهار داشت که قاتلین پدرش یکی ظاهر و دیگری نادر نام داشتند. هر دو را اعدام کردیم و تحقیقات جریان دارد. شکریه جان را خنده گرفت و گفت وقتی قاتلین پدر را کشته باشد تحقیقات را از کی میکند؟

شاه امان الله هم به عوض اینکه از محمدحسین خان تحقیقاتی بعمل آورند و از اطلاعات او بحیث بهترین شاهد کار بگیرد، قبل از اینکه او لب به سخت بگشاید، به دار آویخت. و قضیه را علی العجالة ختم اعلام نمود.

معلوم میگردد که امان الله خان از همه چیز اطلاع داشت و ضرورت به اقرار محمدحسین خان نداشت. و حتی اقرار او شاید بضرر شخص امیر تمام میشد. شاه امان الله، برای مکتوم نمودن حقیقت، محمدحسین خان را به دار آویخت. در حالیکه از او هیچ تحقیقاتی صورت نگرفت و چون در زمینه هیچ محاکمه ای دایر نشد، معلوم نگردید که او را به کدام گناه کشت. محمدحسین خان شاید آدم خوبی نبوده باشد و چون از مشاورین نزدیک امیر و یکی از مخبران او بود، شاید در قتل شدن و زندانی شدن بسا مردم بیگناه دست داشته باشد. ولی اینکه در قضیه قتل امیر دست و یا رولی داشته باشد هیچ گونه ثبوتی وجود ندارد.

داکتر صاحب در صفحه سوم مضمون خود مینگارند که «امیر در حالیکه یک روز قبل از آغاز سفر، بسوی جلال آباد، شهزاده عین الدولة را به نیابت خود به مقام سلطنت در کابل توظیف کرد اما یکی دو روز بعد قبل از رفتن برای شکار بطرف کله گوش تغییر نظر داد»

ازین متن چنین مستفاد میگردد و شاید مطلب داکتر صاحب هم همین باشد که گویا امیر در باره امان الله خان اشتباهی شده بود و او را دفعته به جلال آباد خواست. در حالیکه متن سراج التواریخ، که داکتر صاحب به آن استشهاد میورزد چنین نتیجه نمیگیرد.

معلوم باد که امیر حبیب الله خان بتاریخ اول جنوری سال ۱۹۱۹ بصوب جلال آباد حرکت کرد و اداره امور کابل را به شهزاده عین الدولة امان الله خان سپرد و این یک ماموریت دوره ای بود که بعد از چندی یک شهزاده دیگری، که امیر او را انتخاب مینمود، بصوب کابل حرکت میکرد. و فیض محمد کاتب هم مینگارند که امیر شهزاده عضالدولة حیات الله خان را، قرار معمول، مامور کابل نمود. و شهزاده امان الله را به جلال آباد خواست تا از تفریح و تفرج باز نماند. سراج التواریخ جلد چهارم، قسمت سوم ص ۶۲۲

محترم داکتر صاحب کاظم باید متوجه کلمه معمول گردد. ازین کلمه چنان و خود بخود مستفاد میگردد که مقرر نمودن شهزاده حیات الله بعوض امان الله خان و خواستن امان الله خان از کابل به جلال آباد هیچ فوق العادگی نداشت. داکتر صاحب در زمینه به یک فرضیه محال متوسل میشود که به درد تاریخ و شاگردان تاریخ نمیخورد. او مینگارند که «اگر شهزاده حیات الله خان در راه جلال آباد - کابل مریض نمیشد و به موقع به کابل میرسید و زمام امور کابل را از دست امان الله خان میگرفت و امان الله خان به جلال آباد میرسید حوادث شکل دیگری به خود میگرفت و امان الله خان یا مجبور میشد که مانند برادر بزرگتر خود سردار عنایت الله خان با نصرالله خان بیعت نماید زیرا قوای نظامی همه در دست سپه سالار نادرخان و برادرانش بود و آنها از نصرالله خان حمایت میکردند. زیرا این موقعیت

برای امان الله خان بسیار خطرناک بود و به حیث یک اسیر مجبور به بیعت بود و در غیر آن جان خود را به خطر می انداخت. . . . »

ثانیاً کدام قدرت نظامی؟ نادر خان و برادرانش اگر قدرت نظامی می داشتند عساکر جلال آباد آنها را دست بسته و زنجیر پیچ تا کابل می بردند؟ اگر آنها قدرت نظامی می داشتند امان الله خان یک یک آنها را از وطن تبعید کرده می توانستند؟ اولاً به طرح این فرضیه محال ضرورت نبود و ثانیاً عساکر افغانستان تابع فرمان پادشاه بودند و به امر جنرال و سپه سالار عمل نمی کردند. و اگر نه چنین می بود آنها را با بی بی تمام به کابل نمی بردند. عجیب تر اینکه نادر خان، شاه ولی خان و شاه محمود خان، بحیث ایجننت ها و دست پرورده های انگلیس، از امر امان الله خان سرپیچی ننمودند و به مقابل بادار خود، انگلیس، به جبهه جنوبی رفتند و تا آخرین روزی، که به کابل خواسته شدند، جنگیدند. اگر آنها قدرت نظامی می داشتند بایست بغاوت می کردند و از رفتن به جنگ، بمقابل ولینعمت خود، انکار می ورزیدند که نه ورزیدند. باید به جواب داکتر صاحب محترمانه بنویسم که تاریخ به اساس حدس و فرضیه و قیاس نگاشته نمی شود.

مصطفی صغیر بسال ۱۹۲۲ در انقره گرفتار شد و اعتراف نمود که جاسوس انگلستان است. میخواست مصطفی کمال را از بین ببرد و بسال ۱۹۱۹ امیر حبیب الله را هم کشته است. اعترافی بود که باید کابل را می لرزاند. امان الله خان، بعد از حادثه و اعتراف مصطفی صغیر، ۸ سال دیگر هم بر سریر قدرت نشسته بود. آیا او، بحیث پادشاه یک کشور مستقل، کدام احتجاجی به دولت انگلستان سپرد؟ حد اقل سفیر انگلستان همفریس را به حضور خود احضار نمود؟ خون ریختن پادشاه یک کشور چنین مفت و رایگان بود؟ در زمینه سندی وجود دارد؟ داکتر صاحب مینگارند که مسله قتل امیر حبیب الله خان و مسله نام بردن از قاتل او خط سرخ بود. خط سرخ برای که؟ حتی برای امان الله خان هم خط سرخ بود؟

داکتر صاحب محترم در اخیر مضمون خود مینویسند که تا اینجا، از نظر رسمیات، قاتل گویا به جزای عمل خود رسید. داکتر صاحب این اعدام نا جوانمردانه و غیر عادلانه را به سزا رسیدن قاتل مینامند. و مینویسند که اینکه چرا خاندان نادر خان مجدداً به مقامهای دولتی ابقاء شدند موضوعیست که بعداً به آن روشنی انداخته میشود. تا اینجا به عقیده این حقیر، در مضامین داکتر صاحب کاظم، بر مسله قتل امیر حبیب الله خان، هیچ روشنی انداخته نشده و یا شاید من به اندازه ای کند ذهن باشم که روشنی را احساس و درک نموده ام و یا درک کرده نمیتوانم. در انتظار روشنی.

باقیدارد

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ